

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

شماره نشر
(۱۲۵)

چگونه بنویسیم؟

رسم الخط فارسی و قواعد سجاوندی، همراه با واژه‌نامه‌های:

غلط‌نویسیم، معادل واژه‌های بیگانه

و واژه‌های جایگزین مناسب

گردآوری و تألیف: علی اعوانی

اعوانی، علی، ۱۳۳۷-

چگونه بنویسیم: رسم الخط فارسی و قواعد سجاوندی، همراه با واژه‌نامه‌های: غلط ننویسیم، معادل واژه‌های بیگانه و واژه‌های جایگزین مناسب/ گردآوری و تألیف علی اعوانی -- ویرایش دوم -- تهران: انتشارات سازمان عقیدتی سیاسی ارتش جمهوری اسلامی ایران (نشر اجا)، ۱۳۸۶.

۷۲ص-- (نشر اجا، ۱۲۵)

ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۰-۴۰-۶

شابک: ۸۵۰۰ ریال

ویرایش و چاپ دوم: ۱۳۸۸

۰۱ ویراستاری. ۰۲ نویسندگی - دستنامه‌ها. ۰۳ فارسی - اصطلاح‌ها و تعبیرها. الف. عنوان.

۸ج۶الف/۱۶۲ PN ۰۷۰/۴۱ شماره کتابشناسی ملی ۱۱۲۲۳۷۰

چگونه بنویسیم: رسم الخط فارسی و قواعد سجاوندی، همراه با واژه‌نامه‌های: غلط ننویسیم...

گردآوری و تألیف : علی اعوانی

طرح روی جلد : حمید خزاعی

حروفچین و صفحه‌آرا : نرگس اعوانی

شمارگان : ۳۰۰۰ نسخه

نوبت و سال چاپ : دوم / ۱۳۸۸

قیمت : ۸۵۰ تومان

ناشر : سازمان عقیدتی سیاسی ارتش (نشر اجا)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۰-۴۰-۶ ISBN ۹۷۸-۹۶۴-۶۶۳۰-۴۰-۶

نشانی: تهران - صندوق پستی ۱۷۱۴ - ۱۱۱۵۵

تلفن ۸۸۴۱۱۰۴۷ و دورنگار: ۸۸۴۱۱۰۴۷

مرکز عرضه محصولات فرهنگی ساعس اجا: تلفن: ۳۳۳۳۱۵۲۸-۳۳۳۰۹۱۱۸

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است.

تقدیم به همهٔ آنانی که در پاسداری از
حریم خط زیبای فارسی از هیچ کوششی دریغ نکردند
و به همهٔ آنانی که در تعلیم و تربیت تلاش کردند،
به‌ویژه به پدر و مادر مهربانم
که در این راه از جان مایه گذاشتند.

مؤلف / پاییز ۱۳۸۶

سخن ناشر

بی‌تردید خط یکی از عوامل مهمّ در حفظ و پیوستگی جوامع است. به‌ویژه در خصوص زبان فارسی که با وجود خُرده فرهنگ‌ها و لهجه‌های گوناگون، اهمیّت خود را بیشتر می‌نمایاند. بدیهی است یکنواختی در نگارش و داشتن رسم‌الخط یکسان، مبین فاخر بودن و غنای زبان فارسی است؛ کما اینکه امروز، ما پس از گذشت بیش از یک هزاره قادر هستیم به‌راحتی با شیوه نگارش خط فارسی نصرالله منشی (کلیله و دمنه) ارتباط برقرار کرده و آن را بخوانیم و این یکی از امتیازات زبان فارسی است که با گذشت هزار سال فقط تغییراتی اندک و قابل اغماض داشته است.

لکن، امروزه در خصوص شیوه نگارش و یا رسم‌الخط فارسی به‌دلیل وجود پاره‌ای مسائل، نوعی تشتت، اعمال سلیقه و عدم یکدستی به‌وجود آمده که امیدواریم به همت فرهنگستان زبان و ادب فارسی و سازمان‌ها و نهادهای ذی‌ربط این مشکل به‌زودی مرتفع شود.

سازمان عقیدتی سیاسی به‌عنوان یکی از متولیان امور فرهنگ و ادبیات مکتوب در ارتش جمهوری اسلامی ایران، از سال‌ها قبل مایل بود که در خصوص «یکسان نویسی» و «یکسان گزینی» املاهای واژه‌های فارسی و ارائه آن به دست‌اندرکاران امور فرهنگی و همچنین کارکنان شاغل در بخش‌های اداری اقدامی را انجام دهد. از این‌رو جزوه حاضر را که توسط یکی از

دوستداران خط و زبان فارسی به جهات تأکید مؤلف بر ایجاد یک رسم الخط واحد انتخاب کرده، به دست نشر سپرده است.

از سوی دیگر مؤلف در این کتاب اقدام به جمع‌آوری و تدوین واژه‌های جایگزین و لغتنامه کلمه‌های صحیح و هم‌آوای زبان فارسی کرده است که می‌تواند علاوه بر دست‌اندرکاران امور فرهنگی، مورد استفاده واحدهای اداری نیروهای مسلح نیز قرار گیرد و از تکثیر و توزیع واژه‌های جایگزین ارسالی از سوی دفتر واژه‌گزینی نیروهای مسلح که هزینه‌هایی را به نیروهای مسلح تحمیل می‌کند، جلوگیری نماید.

امیدواریم انتشار چنین مجموعه‌ای بتواند زمینه‌ای را برای ایجاد یک رسم الخط واحد در سطح نیروهای مسلح، به‌ویژه در بخش‌های فرهنگی، آموزشی و اداری به‌وجود آورد و از هدر رفتن سرمایه‌های انسانی و مالی جلوگیری کند. بدیهی است در صورت استقبال یگان‌های ارتش و سایر سازمان‌های نیروهای مسلح، این کتاب در چاپ‌های بعدی می‌تواند جامع‌تر و کامل‌تر در اختیار آنان قرار گیرد.

ضمن اینکه مطالعه این مجموعه را به تمامی عزیزانی که نسبت به زبان زیبای فارسی عشق می‌ورزند، توصیه می‌کنیم، از همه شما می‌خواهیم که برای تکمیل این مجموعه، هرگونه نظر و پیشنهاد خود را به این سازمان ارائه فرمایید.

معاونت فرهنگی و روابط عمومی سازمان عقیدتی سیاسی ارتش

ان شاء الله

مقدمه مؤلف

خط فارسی به‌عنوان یکی از عناصر مهم در حفظ پیوستگی فرهنگی بین ما فارسی زبان‌ها به‌شمار می‌رود. چهرهٔ این خط نیز یکی از عناصر مهم در حفاظت و صیانت از این زبان است. از این‌رو هرگونه تغییر در چهرهٔ خطِ زبان فارسی، باید به‌گونه‌ای باشد که این خط تشابه خود را با ذخایر فرهنگ فارسی که از گذشتگان - بسان گنجی گرانبها- به دست ما رسیده است، از دست ندهد که نسل فعلی و آینده با متون کهن فارسی نامأنوس و در استفاده از آنها دچار مشکل شوند.

اینکه امروزه شاهد باشیم که فرهنگ‌نامه‌ها، واژه‌نامه‌ها، کتاب‌ها، نشریات و انواع مکتوبات اداری و غیره با انواع مختلف قواعد املائی تحریر شوند، امری خوشایند نیست. از این‌رو برای رفع تشتت، جلوگیری از اعمال سلیقه و تفنن‌های دل‌بخواهی، ایجاد سهولت در نوشتن، خواندن و آموزش، حفظ استقلال خط، هماهنگی در قواعد املائی و مسائل مهم دیگر در صیانت از این خط، ضروری بود که یک دستورالعمل مشخصی از سوی صاحب‌نظران و آشنایان با فرهنگ و ادب فارسی در این خصوص تدوین شود.

بررسی‌ها و مطالعات نشانگر این است که سازمان‌ها و ارگان‌های ذی‌ربط و بسیاری از ناشران و مؤسسات بزرگ فرهنگی برای ایجاد یکنواختی در مکتوباتشان مانند: کتاب و نشریه، اقدام به تدوین دستور خط فارسی کرده‌اند. از این میان می‌توان به دستور خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی،

نگارش و ویرایش انتشارات سمت، آیین نگارش آستان قدس رضوی، آیین نگارش و ویرایش دفتر تبلیغات اسلامی و... اشاره کرد.

در این نوشتار، نویسنده تلاش کرده با محور قرار دادن دستور خط فارسی فرهنگستان زبان و ادب فارسی، در قاعده‌هایی که بین دستورهای متفاوت و یا دستورهای همسانی بوده، از آوردن سایر دستورها اجتناب و سعی شود که فقط وجوه اختلافی بیان شود. البته یادآوری این نکته ضروری است که در تنظیم این دستور خط به تمام قواعد اشاره نخواهد شد، بلکه قواعد ضروری و فراگیر که مورد استفاده عموم است، بیان می‌شود.

علی اعوانی

۱۳۸۶

درباره ویرایش اول و چاپ دوم

اهتمام به حفظ و حراست از جایگاه ویژه زبان فارسی در نزد اندیشمندان، دانشوران و حتی عموم فارسی زبانان باعث شده تا کتاب‌هایی که در این عرصه به دست چاپ سپرده می‌شوند، مورد استقبال قرار گرفته و در مدت زمانی اندک کمیاب شوند. کتاب «چگونه بنویسیم؟» نیز از این قاعده مستثنا نبوده و نسخ آن بعد از چاپ خیلی زود کمیاب شد.

در این مدت کوتاه، نقد و نظرهای گوناگون و تشویق تعدادی از دوستان در ارائه مختصر و مفید مطالب ویراستاری و به‌ویژه معادل‌های فارسی لغت و اصطلاح‌های رایج در جامعه باعث شد که نسبت به ویرایش کتاب در بخش ارائه معادل‌های فارسی به اصطلاح‌های فرنگی بپردازیم. در این بخش از میان بیش از ۴۰۰۰ واژه مصوب جدید فرهنگستان زبان و ادب فارسی - بعد از چاپ اول - قریب به ۳۰۰ واژه عمومی، نظامی و بعضی از واژه‌های کاربردی رایانه‌ای را انتخاب و به جدول واژه‌های چاپ اول افزودیم.

امید است با این اقدام فرهنگی هر چند اندک در جهت ادای وظیفه، گامی در یکسان‌سازی مکتوبات فارسی و پاکسازی ساحت زبان فارسی از واژه‌های بیگانه برداشته و در نشر واژه‌های پرمغز آن نظمی شایسته را ایجاد و از پراکندگی نظرهای گوناگون در این حوزه بکاهیم.

ان شاء الله

علی اعوانی

۱۳۸۸

املاي بعضی از واژه‌ها، پیشوندها و پسوندها

آن، این: جدا از جزء و کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:

آنچه، آنکه، اینکه، اینجا، آنجا، وانگهی

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

ابن: حذف یا حفظ همزهٔ این کلمه، وقتی که در بین دو عَلم (اسم خاص اشخاص) واقع شود، هر دو صحیح است.

حسین بن علی، حسین ابن علی

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

تذکره: همزه در کلمهٔ «ابن» در صورتی که بین دو اسم خاص قرار گیرد، حذف می‌شود، مانند:

حسین بن علی، علی بن ابی طالب

(آستان قدس رضوی)

توجه: با توجه به اینکه در زبان عربی همزهٔ «ابن» در میان دو اسم خاص حذف می‌شود، بهتر است در نگارش فارسی هم همزهٔ «ابن» در صورت قرار گرفتن بین دو اسم خاص حذف شود، مانند:

حسین بن علی، علی بن محمد

(مؤلف)

تذکره: اگر کلمهٔ «ابن» در اول جمله واقع شود، همزهٔ آن را نباید حذف کرد؛ مانند: ابن سینا معروف به شیخ‌الرئیس...

ای (حرف ندا): همیشه جدا از منادا نوشته می‌شود:

ای خدا، ای که

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

به: در موارد زیر پیوسته و در سایر موارد جدا نوشته می‌شود:

۱- هنگامی که بر سر فعل یا مصدر بیاید (بای زینت یا تأکید):

بگفتم، بروم، بنماید، بگفتن

۲- به صورت‌های زیر به کار رود:

بدین، بدان، بدو، بدیشان

۳- هرگاه صفت بسازد:

بخرد، بشکوه، بهنجار، بنام

تذکره ۱: حرف «به» که در آغاز بعضی از ترکیب‌های عربی می‌آید از نوع حرف اضافه فارسی نیست و پیوسته به کلمه بعد نوشته می‌شود:

بعینه، بنفسه، برأی‌العین، بشخصه، مابازاء، بذاته

تذکره ۲: هرگاه «بای زینت» «نون نفی» «میم نهی» بر سر افعالی که با الف مفتوح یا مضموم آغاز می‌شوند (مانند انداختن، افتادن، افکندن) بیاید، «الف» در نوشتن حذف می‌شود:

بینداز، نیفتاد، میفکن

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

بی: همیشه جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر آنکه کلمه بسیط‌گونه باشد، یعنی معنای آن دقیقاً مرکب از معانی اجزای آن نباشد، مانند:

بیهوده، بیخود، بیراه، بیچاره، بینوا، بیجا

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

تو و توین: همواره جدا از کلمه پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

بهتر، مهتر، کهنتر، بیشتر، کمتر

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چه: جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا، چگونه، چقدر، چطور، چسان

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

چه: همواره به کلمه پیش از خود می‌چسبد:

آنچه، چنانچه، خوانچه، کتابچه، ماهیچه، کمانچه، قباله‌نامهچه

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

وا: در همه جا جدا از کلمهٔ پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

چرا (در معنای - برای چه؟ -)

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

که: جدا از کلمهٔ پیش از خود نوشته می‌شود، مگر در:

بلکه، آنکه، اینکه

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

می: همواره جدا از کلمهٔ پس از خود نوشته می‌شود:

می‌رود، می‌افکند، می‌زند، می‌دهد

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

ها (نشانهٔ جمع): در ترکیب با کلمه‌ها به هر دو صورت (پیوسته و جدا)

صحیح است:

کتابها/کتاب‌ها، باغها/باغ‌ها، چاهها/چاه‌ها، کوهها/کوه‌ها

اما در موارد زیر باید جدا نوشته شود:

۱- هرگاه بعد از کلمه‌های بیگانهٔ نامأنوس به کار رود:

مرکاتیلیست‌ها، پزیتیویست‌ها، فرمالیست‌ها

۲- هنگامی که بخواهیم اصل کلمه را برای آموزش یا برای برجسته-

سازی مشخص کنیم:

کتاب‌ها، باغ‌ها، متمدن‌ها، ایرانی‌ها

۳- هرگاه کلمه پُر دندانه (بیش از سه دندانه) شود و یا به «ط» و «ظ»

ختم شود:

پیش‌بینی‌ها، حساسیت‌ها، استنباط‌ها، تلفظ‌ها

۴- هرگاه جمع اسامی خاص مد نظر باشد:

سعدی‌ها، فردوسی‌ها، مولوی‌ها

۵- کلمه به «های» غیر ملفوظ ختم شود:

میوه‌ها، خانه‌ها

۶- کلمه به «های» ملفوظی ختم شود که قبل از آن حرف متّصل باشد:

سفیه‌ها، پیه‌ها، فقیه‌ها، به‌ها

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

توجه: برای ایجاد هماهنگی و جلوگیری از تحریر گونه‌های مختلف یک کلمه، بهتر است «ها» در تمام کلمه‌های پس از خود جدا نوشته شود، به استثنای:

آنها، اینها

(مؤلف)

تذکره ۱: «ات» از نشانه‌های جمع عربی است، از این‌رو نباید کلمه‌های فارسی را با آن جمع بست، مانند:

نمایشات، آزمایشات، سفارشات، گزارشات، پیشنهادات

لازم است این گونه کلمه‌ها با «ها» جمع بسته شوند، مانند:

نمایش‌ها، آزمایش‌ها، سفارش‌ها، گزارش‌ها، پیشنهادها

تذکره ۲: «جات» از نشانه‌های جمع فارسی است. از استفاده آن بهتر است خودداری شود و به جای آن علامت «ها» به کار رود، مانند:

سبزیجات ❖ سبزی‌ها، میوجات ❖ میوه‌ها، دستجات ❖ دسته‌ها

هم: همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می‌شود، مگر در موارد زیر:

۱- کلمه بسیط‌گونه باشد:

همشهری، همشیره، همدیگر، همسایه، همین، همان، همچنین، همچنان

۲- جزء دوم تک‌هجایی باشد:

همدرس، همسنگ، همکار، همراه

تذکره: در صورتی که پیوسته نویسی «هم» با کلمه بعد از خود موجب دشواری خوانی شود، مانند: همصنف، همصوت، همتیم، در این صورت جدانویسی مرجح است:

هم‌صنف، هم‌صوت، هم‌تیم

۳- جزء دوم با مصوت «آ» شروع شود:

همایش، هم‌آورد، هماهنگ

تذکر: در صورتی که قبل از حرف «آ» همزه در تلفظ ظاهر شود، «هم» جدا نوشته می شود:

هم آرزو، هم آرمان

۴- «هم» بر سر کلمه‌هایی که با «الف» یا «م» آغاز می شود، جدا نوشته می شود:

هم اسم، هم مرز، هم مسلک

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

همی: همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود:

همی گوید، همی کوید، همی نالد

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

همین، همان: همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود:

همین خانه، همین جا، همان کتاب، همان جا

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

هیچ: همواره جدا از کلمه پس از خود نوشته می شود:

هیچ یک، هیچ کدام، هیچ کس

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

توجه: بهتر است بعد از هیچ و کلمه پس از آن که معنی واحدی را می دهد،

فاصله‌ای نباشد.

(مؤلف)

همزه و قواعد املائی آن در فارسی

همزه ابتدای کلمه: همزه در اول کلمه‌های فارسی به صورت « هَ - هِ - هِ » نوشته می‌شود؛ مانند:

آسب، اداره، اتاق، آسیا،

«البته این علایم در فارسی نوشته نمی‌شوند، ولی خوانده می‌شوند.»

(آستان قدس رضوی)

همزه میانی در کلمه: همزه در میان کلمه‌های فارسی با رعایت قواعد خاص به شکل‌های زیر نوشته می‌شود:

۱- **همزه ما بعد مفتوح:** اگر حرف پیش از همزه مفتوح باشد، روی کرسی «أ» نوشته می‌شود؛ مانند:

رأفت، تأسف، تألؤ، مأنوس، شأن،

تبصره: اگر حرف پیش از همزه مفتوح باشد و حرف بعد از آن حروف مصوت «ای»، «او» و یا حرکت «ب» باشد، در این صورت روی کرسی «ئ» نوشته می‌شود؛ مانند:

رئیس، لئیم، رئوف، مؤنث، مطمئن، مسمئر

۲- **همزه ما بعد مضموم:** اگر حرف پیش از همزه مضموم باشد، روی کرسی «ؤ» نوشته می‌شود؛ مانند:

رؤیا، رؤسا، مؤسسه، مؤذن، مؤثر، مؤانست

تبصره: اگر حرف پیش از همزه مضموم باشد و حرف بعد از آن مصوت «او» باشد در این صورت روی کرسی «ئ» نوشته می‌شود؛ مانند:

شئون، رئوس

تذکره: اگر حرف پیش از همزه مضموم باشد و حرف بعد از آن مصوت «او» باشد، در این صورت به تبعیت از مصوت، روی کرسی «ؤ» نوشته می‌شود، مانند:

شؤون، رؤوس، رؤوف

(آستان قدس رضوی)

توجه: برای ایجاد هماهنگی بهتر است از قاعده فرهنگستان زبان و ادب فارسی پیروی شود و «همزه میانی» با املای «شئون، رؤوس» نوشته شود.

(مؤلف)

۳- **همزه با شکل «آ»:** اگر حرف پیش از همزه مفتوح یا ساکن و پس از آن حرف «آ» باشد، به صورت «آ» نوشته می‌شود، مانند:

مآخذ، لآلی، قرآن، مرآت

۴- **همزه در کلمه‌های دخیل فرنگی:** همزه در کلیه کلمه‌های دخیل فرنگی و بقیه موارد روی کرسی «ئ» نوشته می‌شود؛ مانند:

لنام، رئالیست، قرانات، استثنائات، مسئول، مسئله، جرئت، هیئت، لئون، سئول، تئاتر، نئون

همزه پایانی: همزه در پایان کلمه‌های فارسی با رعایت قواعد خاص به شکل‌های زیر نوشته می‌شود:

۱- **همزه ما قبل مفتوح:** اگر حرف پیش از همزه مفتوح باشد، روی کرسی «أ» نوشته می‌شود؛ مانند:

خلاً، ملاً، مبدأ، منشأ، ملجأ

۲- **همزه ما قبل مضموم:** اگر حرف پیش از همزه مضموم باشد، روی کرسی «ؤ» نوشته می‌شود؛ مانند:

لؤلؤ، تالؤلؤ

۳- **همزه ما قبل مکسور:** اگر حرف پیش از همزه مکسور باشد، روی کرسی «ئ» نوشته می‌شود؛ مانند:

متألی، توطئه، لئام

۴- همزه بدون کرسی: اگر حرف پیش از همزه ساکن و یا یکی از مصوت‌های بلند «آ»، «او» و «ای» باشد، بدون کرسی نوشته می‌شود، مانند:

جزء، سوء، شیء، بَطء، بطیء، سماء، ماء، املاء، انشاء

تبصره: کلمه‌هایی مانند املاء، انشاء و اعضاء در فارسی بدون همزه پایانی هم نوشته می‌شود و صحیح است.

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

تذکره: اگر همزه در کلمه مکسور باشد و پس از آن مصوت «ا» بیاید، در

کلمه‌های عربی رایج در فارسی به صورت «ی» نوشته می‌شود، مانند:

جایز، فواید، طایفه، نایب، زایل، عواید، لذاید، بایر، قصاید، دایر، دایم

تبصره: بعضی کلمه‌های عربی رایج در فارسی از این قاعده مستثنا هستند، مانند:

سائل، مسائل، قائم، جائز

(آستان قدس رضوی)

تذکره: همزه «است» پس از کلمه‌های مختوم به مصوت بلند «ا» و «و»،

حذف می‌شود، مانند:

دانااست، نیکوست، بیناست، ابروست، دلجوست، رواست

تبصره: کلمه‌های «کیست»، «چیست» و «نیست» بنا بر عرف و عادت در زبان

فارسی از این قاعده مستثناست.

(آستان قدس رضوی)

تذکره: در کلمه‌های فارسی، همزه فقط در اول قرار می‌گیرد، بنابراین از آوردن

همزه در وسط یا آخر کلمه‌ها باید پرهیز شود، مانند:

آیین، پاییز، آینه، بها(قیمت)، موبد، بینایی، گویم، نمایم، نایین، دانایی

(آستان قدس رضوی)

تنوین و ترکیبات و عبارات عربی

تنوین: از علایم خاص کلمه‌های عربی است و به کار بردن این علامت با کلمه‌های فارسی و لاتین با تحریر فارسی صحیح نیست.

این علامت با سه صورت به کار می‌رود:

الف: تنوین نصب: «أ و لاً» این علامت بیشتر از دو علامت

دیگر در زبان فارسی به کار رفته است. مانند:

واقِعاً، جزئاً، موقتاً، عجالتاً، نتیجتاً، مقدمتاً، عمداً،

تذکره: استفاده از تنوین نصب با کلمه‌های فارسی صحیح نیست و

باید از به کار بردن آن خودداری شود، مانند:

زباناً، گاهاً، تلفناً، تلگرافاً، دوماً، جاناً، سازماناً، خواهشاً

لازم است این کلمه‌ها به صورت‌های زیر نوشته شود:

زبانی، گاهی اوقات، تلفنی، تلگرافی، دوم اینکه، جانی، سازمانی،

خواهش می‌کنم،

ب: تنوین رفع: «َ» این علامت به همان صورت عربی و بدون

اضافه شدن حرفی در فارسی هم به کار رفته است، مانند:

مشارالیه، مضاف الیه، منقول عنه، متفق علیه،

ج: تنوین جر: «ِ» این علامت هم به همان صورت عربی و بدون

اضافه شدن حرفی در فارسی هم به کار رفته است، مانند:

بعبارة آخری، بای نحو کان،

«ة»: در واژه‌ها و عباراتی که از عربی گرفته شده‌اند، به صورت‌های

زیر نوشته می‌شود:

۱- اگر در آخر کلمه تلفظ شود، به صورت «ت» نوشته می‌شود:

رحمت، جهت، قضات، نظارت، مراقبت، براءت

۲- اگر در آخر کلمه تلفظ نشود، به صورت «ه یا ه» نوشته می‌شود:

علاقه، معاینه، نظاره، مراقبه، آتیه

۳- در ترکیبات عربی رایج در فارسی به صورت «ة یا ة» نوشته می‌شود:

دائرة المعارف، ليلة القدر، ثقة الاسلام،

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

بعضی قواعد دیگر املائی فارسی

«های» غیر ملفوظ در الحاق به «یای مصدری»: در این صورت «گ» میانجی به جای «های غیر ملفوظ» می آید، مانند:
بندگی، خانگی، هفتگی، همیشگی،

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

«کسره اضافه»: کلمه‌هایی که به کلمه بعدی خود اضافه می‌شوند، در صورتی که به «های غیر ملفوظ» ختم شوند، از علامت «یای نیمه» یا «ء» برای نشان دادن حالت اضافه به آن اضافه می‌شود، مانند:
خانه او، نامه او، رویه ما،

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

تذکر: دستور خط انتشارات سمت با اقامه پنج دلیل می‌گوید: پس از کلمه‌های مختوم به «های» بیان حرکت، به صورت «ی» نوشته می‌شود، مانند:
خانه‌ی او، نامه‌ی او، رویه‌ی ما،

توجه: برای ایجاد هماهنگی، سهولت در حرف‌چینی رایانه‌ای و به تبعیت از فرهنگستان زبان و ادب فارسی، بهتر است در تمام کلمه‌ها از «ء» یای ناقص استفاده شود.
یادآوری: دستور خط آستان قدس رضوی، همسو با فرهنگستان زبان و ادب فارسی است.
(مؤلف)

«ی، در کلمه‌های عربی مختوم به ی»: در کلمه‌های عربی مختوم به «ی» که «آ» تلفظ می‌شود، در اضافه به کلمه بعد از خود، به «الف» تبدیل می‌شود، مانند:

عیسای مسیح، موسای کلیم، هوای نفس، کُبرای قیاس

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

«نکته»: کلمه‌هایی مانند: رهرو، پرتو، جلو، در حالت مضاف، گاهی با صامت میانجی «ی» می‌آید، مانند: «پرتوی آفتاب» و گاهی بدون آن،

مانند: «پرتو آفتاب». آوردن یا نیاوردن صامت میانجی «ی» تابع تلفظ خواهد بود.

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

«توجه»: برای ایجاد هماهنگی و جلوگیری از تحریرهای مختلف، بهتر است در

تمام موارد از «ی» به جای «ی» استفاده کنیم، مانند:

جلو، پرتو، رهرو

(مؤلف)

قواعد املای ترکیبات

الف: کلمه‌های مرکبی که الزاماً پیوسته نوشته می‌شود:

۱- کلمه‌های مرکبی که از ترکیب با پیشوند ساخته می‌شود همیشه جدا نوشته می‌شود، مگر مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم» با رعایت استثناهایی ساخته می‌شود. قواعد آن در بخش املای پسوندها و پیشوندها گفته شد.

۲- کلمه‌های مرکبی که از ترکیب با پسوند ساخته می‌شود، همیشه پیوسته نوشته می‌شود، مگر هنگامی که:

الف: حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم یکسان باشد:

نظام‌مند، آب‌بان، چوب‌بر

ب: جزء اول آن عدد باشد:

پنج‌گانه، ده‌گانه، پانزده‌گانه

مرکب‌هایی که با پیشوندهای «به»، «بی» و «هم» با رعایت استثناهایی ساخته می‌شود. قواعد آن در بخش املای پسوندها و پیشوندها گفته شد.

(فرهنگستان زبان و ادب فارسی)

«پسوند وار»: از حیث جدا و یا پیوسته نویسی تابع قاعده‌ای نبوده و

در بعضی کلمه‌ها جدا و در بعضی دیگر پیوسته نوشته می‌شود؛ مانند:

طوطی‌وار، فردوسی‌وار، طاووس‌وار، پری‌وار

بزرگوار، سوگوار، خانوار

۳- مرکب‌هایی که بسیط‌گونه است؛ مانند:

آبرو، الفبا، آبشار، نیشکر، رختخواب، یکشنبه، پنجشنبه، سید، یکتا

۴- جزء دوم با حرف «آ» آغاز شود، مانند:

گلاب، پساب، خوشاب، دستاس

تبصره: در صورتی که جزء دوم آغاز شده با «آ» بیش از یک «هجا» داشته باشد، دیگر تابع قاعده‌ای نخواهد بود؛ مانند:

دلاویز، پیشاهنگ، دانش آموز، دل آگاه

۵- هرگاه کاهش یا افزایش واجی یا ابدال یا ادغام و مزج یا جابه‌جایی آوایی در داخل آنها روی داده باشد، مانند:

چنو، هشیار، ولنگاری، شاهسپرم، نستعلیق، سکنجبین

۶- مرکبی که دست کم یک جزء آن کاربرد مستقل نداشته باشد؛ مانند:

غمخوار، رنگرز، کهربا

۷- مرکب‌هایی که جدانوشتن آنها التباس یا ابهام معنایی ایجاد کند؛ مانند:

بهار (به یار)، بهروز (به روز)، بهداشت (به داشت)، بهنام (به نام)

۸- کلمه‌های مرکبی که جزء دوم آنها تک‌هجایی باشد و به صورت رسمی یا نیمه‌رسمی، جنبه سازمانی و اداری و صنفی یافته باشد؛ مانند:

استاندار، بخشدار، کتابدار، آشپز

ب: کلمه‌های مرکبی که الزاماً جدا نوشته می‌شود:

۱- ترکیب‌های اضافی (شامل موصوف و صفت، و مضاف و مضاف‌الیه)؛ مانند:

دست کم، شورای عالی، حاصل ضرب، صرف نظر، سیب زمینی، آب میوه

۲- جزء دوم با «الف» آغاز شود، مانند:

دل انگیز، عقب افتادگی، کم احساس

۳- حرف پایانی جزء اول با حرف آغازی جزء دوم همانند یا هم‌مخرج باشد، مانند:

آیین‌نامه، پاک‌کن، کم‌مصرف، چوب‌بری، چوب‌برده

۴- مرکب‌های اتباعی و نیز مرکب‌های متشکل از دو جزء مکرر؛
مانند:

سنگین رنگین، پول مول، تک تک، حق حق

۵- مصدر مرکب و فعل مرکب، مانند:

سخن گفتن، نگاه داشتن، سخن گفتن، نگاه داشتن

۶- مرکب‌هایی که یک جزء آنها کلمه دخیل فرنگی باشد، مانند:

خوش‌بُز، شیک‌پوش، پاگون‌دار

۷- عبارت‌های عربی که شامل چند جزء باشد، مانند:

مع ذلک، من بعد، علی‌هذا، مع‌هذا، ان‌شاءالله، باری تعالی، حق تعالی، علی‌ای‌حال

تبصره: هر دو صورت نوشتاری «باسمه تعالی» و «بسمه تعالی»

جایز است.

توجه: برای ایجاد یکدستی، هماهنگی و به دلیل فراگیری، صورت «بسمه تعالی»

پیشنهاد می‌شود.

(مؤلف)

۸- یک جزء از واژه‌های مرکب عدد باشد، مانند:

پنج‌تن، هفت‌گنبد، هشت‌بهشت، نه‌فلک، ده‌چرخه

تبصره: به استثنای عدد «یک»، که بسته به مورد و با توجه به

قواعد دیگر، با هر دو املا صحیح است.

۹- کلمه‌های مرکبی که جزء اول آنها به «های» غیر ملفوظ ختم

شود (های غیر ملفوظ در حکم حرف منفصل است)، مانند:

بپانه‌گیر، پایه‌دار، کناره‌گیر

۱۰- کلمه با پیوسته‌نویسی، طولانی یا نامأنوس یا احیاناً پُردندانه

شود، مانند:

عافیت‌طلبی، مصلحت‌بین، پاک‌ضمیر، حقیقت‌جو

۱۱- یک جزء کلمه مرکب صفت‌مفعولی یا صفت‌فاعلی باشد،
مانند:

اجل‌رسیده، نمک‌پرورده، اخلاص‌کننده، پاک‌کننده

۱۲- یک جزء آن اسم خاص باشد، مانند:

سعدی‌صفت، عیسی‌دم،

۱۳- جزء آغازی یا پایانی آن بسامد زیادی داشته باشد، مانند:

نیک‌بخت، هفت‌پیکر، شاه‌نشین، سیه‌چشم

۱۴- هرگاه با پیوسته‌نویسی، اجزای ترکیب معلوم نشود و احیاناً

ابهام معنایی پدید آید، مانند:

پاک‌نام، پاک‌دامن، پاک‌رأی، خوش‌بیاری

آشنایی با قواعد سجاوندی (نقطه‌گذاری)

نقطه‌گذاری، در حقیقت به کاربردن علایم و نشانه‌هایی مشخص است که باعث خواهد شد تا خواننده، مطلب را خوب و صحیح بخواند و مفاهیم جملات را درست بفهمد. این قواعد و علامت‌ها از زبان‌های اروپایی (انگلیسی و فرانسوی) به زبان فارسی منتقل شده و سابقه‌ای کمتر از دو قرن در دستور زبان فارسی دارد.

مطالعه و بررسی چگونگی استفاده از این علایم در نزد بزرگان ادب فارسی، نشانگر این امر است که در بین آنها برداشت‌های متفاوتی از کاربری علایم وجود دارد. به‌طور مثال، بعضی می‌گویند: علامت «؛» در زبان فارسی نباید استفاده شود و بعضی برای استفاده از آن قواعدی را مشخص کرده‌اند و می‌گویند: این علامت را در کجا می‌بایست استفاده کرد. یا اینکه برخی دیگر بر این عقیده‌اند که بعد از منادی باید از علامت «،» استفاده کرد و گروهی دیگر نیز از علامت «!» استفاده می‌کنند.

تلاش ما در این جزوه مختصر این است که در کاربرد علایم، نظری اکثریت بزرگان ادب فارسی را در نظر بگیریم و از نظریه‌های فردی اجتناب کنیم. از این‌رو به تشریح و کاربرد علایم و نشانه‌هایی خواهیم پرداخت که در زبان فارسی متداول و معمول هستند.

۱- نقطه (.)

موارد استفاده و یا عدم استفاده از علامت نقطه، به شرح ذیل است:
۱-۱ پس از پایان جمله‌های خبری یا انشایی می‌آید:

- حسن دیروز به مدرسه نرفت.

۱-۲ بعد از حروف اختصاری به کار می‌رود، مانند:

- ۴۵۲ق.م. (قبل از میلاد)

- م. ت. ج. (محمدتقی جعفری)

۱-۳ پس از شماره‌های ترتیب در سرفصل‌های متن یا شماره‌های

ارجاعی در پانویس، مانند:

۱. جامعه‌شناسی تهیدها

۲. عدل الهی، ص ۷۸.

۱-۴ بعد از واژه‌ای که به جای جمله کامل به کار می‌رود، مانند:

بله. - نه. - چطور.

تذکر ۱: پس از عنوان کتاب یا مقاله نباید نقطه به کار برد، مانند:

- کتابی که دنیا را عوض کرد

تذکر ۲: هرگاه دو جمله کامل با «و» به یکدیگر عطف شوند،

نقطه در پایان جمله دوم گذاشته می‌شود، مانند:

- دلم گرفته بود و هیچ چیز مرا نمی‌توانست از هجوم خاطره‌های آزار

دهنده برهاند.

۲- درنگ‌نما / ویرگول (،)

موارد استفاده و یا عدم استفاده از علامت درنگ‌نما، به شرح ذیل

است:

همان‌گونه که از نام این علامت پیداست، درنگ‌نما، نشانه توقف یا

درنگ کوتاهی در خواندن جمله است که در موارد زیر به کار

می‌رود:

۱-۲ میان عبارت‌های یک جمله که با درنگ، زیباتر و با مفهوم

بهتر خوانده می‌شوند، مانند:

- در سال‌های اخیر، زبان فارسی تغییرهای زیادی کرده است.
- ۲-۲ جمله اصلی را از جمله تابعی - که معمولاً با «و»، «اما»، «ولی»، «زیرا» و امثال آن آغاز می‌شود - جدا می‌سازد؛ مانند:
- دربارهٔ او اطلاع چندانی نداریم، ولی باید فرد صادقی باشد.
- ۲-۳ پس از جمله قیدی که بر جمله اصلی مقدم باشد؛ مانند:
- وقتی پی برد که دوستانش او را تنها گذاشته‌اند، راه خانه را در پیش گرفت.
- ۲-۴ جایی که کلمه یا عبارتی به‌عنوان توضیح، عطف بیان یا بدل در ضمن جمله یا عبارتی دیگر آورده شود، مانند:
- دیروز، روز عید قربان، به مشهد آمدم.
- ۲-۵ آنجا که در مورد چند کلمه اسناد واحدی داده می‌شود، مانند: آب، غذا و مسکن از لوازم اولیهٔ حیات آدمی محسوب می‌شود.
- ۲-۶ برای جدا کردن دو کلمه در جمله‌ای واحد که احتمال می‌رود خواننده آنها را با کسره اضافه بخواند، مانند:
- برای ایرانی، مسلمان در هر جا گرامی است.
- ۲-۷ برای جدا کردن مشخصات کتاب، مانند:
- مرتضی مطهری، عدل الهی، صدرا.
- ۲-۸ برای جدا کردن اجزای مختلف نشانی اشخاص، مانند:
- علی صیاد شیرازی، دانشگاه امام علی(ع)، سال چهارم.
- ۲-۹ پیش از حروف تعلیل، مانند:
- زیرا، چون، چون‌که، چراکه، چه.
- ۲-۱۰ برای عنوان‌هایی که پس از نام می‌آید، مانند:
- امام خمینی(ره)، رهبر انقلاب اسلامی، در اندیشه‌های همهٔ مسلمانان بود.
- ۲-۱۱ میان واژه‌های دوتا دوتایی، مانند:
- سیاه و سفید، زرد و سرخ، ایرانی و لبنانی، زن و مرد، همه در انسانیت مشترکند.
- ۲-۱۲ وقتی احتمال غلط خواندن جمله وجود داشته باشد، مانند:
- پس از خوردن، شیر چند خمیازه کشید و به خواب رفت.

تذکر: وقتی اجزای یک جمله همگی با حرف عطف از یکدیگر جدا شوند و یا حرف عطفی، دو خبر متعلق به یک مبتدا را از یکدیگر جدا کند، نباید از نشانه درنگ‌نما استفاده کرد. مانند:

- برای عصرانه کیک و توت فرنگی و قهوه سفارش داد.
- ارتش باید طرح‌های راهبردی دفاع نظامی را تدوین و آنها را در رزمایش‌های سالانه ارزیابی کند.

۳- نقطه - درنگ‌نما / سیمیکلون (!)

این علامت درنگی بیشتر از نشانه درنگ‌نما و کمتر از نقطه در خواندن جمله است و در موارد زیر به کار می‌رود:

۳-۱ هرگاه جمله‌ای از نظری دستوری کامل باشد، اما رابطه فکری آن با جمله بعد، بیش از دو جمله‌ای باشد که میان آنها نقطه قرار می‌گیرد، در این صورت میان آن جمله و جمله بعد، نشانه نقطه - درنگ‌نما قرار خواهد گرفت.

- او کتابی نوشت؛ کتابی بسیار عمیق و سودمند.

۳-۲ در جمله‌های توضیحی و پیش از مثلاً، یعنی، به عبارت دیگر به کار می‌رود.

۳-۳ میان متن اصلی آیه و حدیث و ترجمه آنها، مانند:

- هو الفتاح العظیم؛ او گشاینده داناست.

۳-۴ هنگام برشمردن و تفکیک اجزای مختلف وابسته به یک حکم کلی، مانند:

- آثار مولانا جلال‌الدین رومی عبارت است از:

- مثنوی معنوی (۶ دفتر، تصحیح نیکلسون)؛ کلیات شمس یا دیوان کبیر (۱۰ جلد، تصحیح فروزانفر)؛ و...

۳-۵ وقتی اطلاعات کتاب‌شناختی چند منبع در پانویس به‌دنبال هم بیاید، حدّ فاصل هر منبع و منبع بعدی با نشانه نقطه - درنگ‌نما مشخص می‌شود، مانند:

- مطهری، مرتضی، عدل الهی، ص. ۵۲؛ امینی، ابراهیم، همه باید بدانند، ص. ۲۵.

۴- دو نقطه (:)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۴-۱ قبل از نقل قول، مانند:

- امام خمینی(ره) فرمود: انسان، کم‌کم طاغوتی می‌شود.

۴-۲ هنگام برشمردن اجزای یک امر کلی:

- علوم اسلامی عبارتند از: تفسیر، کلام، حدیث، رجال، و...

۴-۳ هنگام معنا کردن واژه‌ها:

- خیره: بیهوده، گستاخ: بی‌شرم.

۴-۴ قبل از تفصیل حکمی که به اجمال بدان اشاره شده است،

مانند:

- در آن سال تحوّل بزرگ در مملکت روی داد: سلطنت سقوط کرد و انقلاب پیروز شد.

۵- نشانه پرسش / علامت سؤال (?)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۵-۱ در پایان جمله‌های پرسشی مستقیم، مانند:

- کدام مدرسه را دوست داری؟

تذکر ۱: در پایان جمله‌های پرسشی غیرمستقیم، به جای نشانه پرسش، از نشانه

نقطه استفاده می‌شود.

۵-۲ بعد از کلمه‌ها و یا واژه‌هایی که به جای جمله پرسشی

می‌آید: کجا؟، چگونه؟

۳-۵ برای بیان مفهوم تردید یا استهزا. در این صورت نشانه پرسش داخل کمانک می‌آید:

- جواد احمدی (?) قهرمان کشور.

- تاریخ وفات سنائی غزنوی را ۵۲۵(?) نوشته‌اند.

تذکر ۲: هرگاه جمله به صورت استفهام انکاری (پرسش تأکیدی) آمده باشد، نیاز به نشانه پرسشی نیست.

- چه کسی از عاقبت امور مطلع تواند بود.

تذکر ۳: هرگاه جمله سؤالی جنبه خواهش یا تقاضای مؤدبانه داشته باشد، نشانه پرسش نمی‌آید، مانند:

- اجازه می‌فرمایید رفع زحمت کنم.

۴-۵ در پایان عنوان مقاله یا کتاب و مطلبی که در ضمن جمله‌ای دیگر بیاید، مانند:

- چه باید کرد؟ عنوان کتابی است از علی شریعتی.

۵-۵ بعد از هر کلمه یا عبارتی که جای جمله استفهامی مستقیم را بگیرد، مانند:

- کدام را می‌پسندی؟ جنگ یا صلح؟

تذکر ۴: از به کار بردن نشانه سؤال به صورت تکی، دو یا چندتایی به جای نشانه تعجب خودداری کنید.

۶- نشانه تعجب (!)

در مواردی مانند: نشان دادن حالت‌هایی مثل تعجب، تحذیر، دعا، نفرین، دشنام، افسوس، خطاب، امر و مانند آن به کار می‌رود:

- این باغ، چقدر زیباست!

- ای خدا!

- دریغ از عمر!

- آقای رئیس!

- مواظب باش!

۷- نشانه نقل قول / گیومه (« »)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۷-۱ برای نقل عین عبارت کسی یا نوشته‌ای در جمله (نقل قول

مستقیم)، مانند:

- او گفت: «کتاب‌ها را باید به مدرسه ببرم».

۷-۲ در ابتدا و پایان واژه‌ها، اصطلاح‌ها و کلمه‌ها یا عبارت‌های

تأکیدی:

- «بداء»، «پُست مدرن»

۷-۳ هنگام ذکر عنوان مقاله‌ها، اشعار، روزنامه، آثار هنری و فصل

و بخش‌های یک کتاب.

- باب اول بوستان سعدی، «در عدل و تدبیر و رأی» است.

۸- نشانه تعلیق (...)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۸-۱ برای نشان دادن افتادگی‌های عمدی و یا حادثه‌ای متن:

- عصر بی‌دانشی، یکسونگری، بیکارگی و... سپری شده است.

- اسدا... حسینی، دانشجوی سال سوم رشته ادبیات فارسی.

۸-۲ در تصحیح متون کهن، آن‌جا که مصحح در متن

افتادگی‌هایی می‌بیند که نسخه بدل‌ها در آن‌جا ساکت است، مانند:

- شما را می‌فرماییم آن مدت که شما را این‌جا مقام باشد و آن... روز خواهد بود.

۸-۳ هنگام قطع مطلبی که بخشی از آن نقل شده است؛ چه قطع

در اول عبارت منقول باشد و چه در آخر آن، مانند:

- ... و حالا پشت دستم را داغ می‌کنم که دیگر از این کارها نکنم، همین که.....

۹- خط فاصله / تیره (-)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۹-۱ برای جمله‌های مکالمه‌ای:

- تو گفتی

- آری.

۹-۲ برای پیوستن اجزای یک کلمه دو جزئی مرکب، مانند:

عقیدتی - سیاسی، اقتصادی - اجتماعی، سیاسی - فرهنگی

۱۰- کمان / هلالین / پرانتز (())

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱۰-۱ برای آوردن توضیحاتی از قبیل: تاریخ‌ها، عبارت‌ها یا

جمله‌های تکمیل کننده یا توضیح دهنده، ذکر مثال‌ها، معنای واژه‌ها و

اصطلاحات، معادل کلمه‌ها، ارجاع‌ها، ذکر منابع، نشانه‌های اختصاری،

تلفظ کلمه‌ها و مانند اینها، مانند:

ابوالفتح رازی (۶۱۰-۵۹۲هـ.ق) تفسیر خود را به پارسی نگاشت.

وقتی از معالجه عضوی مأیوس می‌شدند به قطع و کی (سوختن) آن می‌پرداختند.

۱۱- قلاب / گروهه ([])

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱۱-۱ در متن نمایش‌نامه:

احمد [در حالی که می‌خندد] بیا بنشین [با دست صندلی را نشان می‌دهد].

۱۱-۲ هنگام اصلاح متن‌های کهن:

[بیامبر] بیرون شد با هیبتی الهی [برای] جنگ با دشمنان باری تعالی.

۱۱-۳ در ترجمه‌ها، برای افزوده‌های مترجم به متن.

[علامه امینی پدیدآورنده کتاب گرانسنگ الغدیر است].

۱۲- خط ممتد (————)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱-۱۲ برای برجسته کردن پاره‌ای از واژه‌ها یا جمله‌ها استفاده

می‌شود.

– بازگشت به فرهنگ خویش، چیزی است براساس احساس عمیق ارزش‌های معنوی، انسانی و روح و استعداد خود ما.

۱۳- خط مورّب / ممیز (/)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱-۱۳ برای نشان دادن کلمه‌های معادل، مانند:

ویرایش صوری / فنی

۱۴- نشانه تکرار ("")

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱-۱۴ این نشانه به جای کلمه‌های مشابهی که عیناً در سطرهای

متوالی تکرار می‌شود، به کار می‌رود:

آقای محمدی دانشجوی دانشگاه امام علی(ع)، در رشته مکانیک تحصیل می‌کند.

" احمدی " " " " " " " " " مدیریت " " " "

" رضایی " " " " " " " " " علوم پایه " می‌کرد.

بهتر است از این نشانه در نوشته‌های رسمی استفاده نشود.

۱۵- ستاره (*)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱-۱۵ در بعضی موارد، برای رجوع به زیرنویس.

۲-۱۵ برای ایجاد فاصله میان اشعار و بندها.

۱۶- پیکان (←)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱-۱۶ به نشانه انتقال مطلب به صفحه بعد.

۲-۱۶ به جای ارجاع که معادل ر.ک (رجوع کنید) است.

۱۷- ابرو / خط تاب‌دار (~)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱-۱۷ از این نشانه در نمایه‌ها، فرهنگ‌ها و واژه‌نامه‌ها برای پرهیز

از تکرار ماده مورد بحث، استفاده می‌شود:

- هرمنوتیک

- ایجابی

- ~ توهم‌زا

۱۸- خط موج‌دار (~~~~)

در موارد زیر به کار می‌رود:

۱-۱۸ برای ایرانیک و یا ایتالیک کردن کلمه یا عبارت و یا نام

کتاب‌ها.

غلط نویسیم

بنویسیم	نویسیم	بنویسیم	نویسیم
آروغ	آروق	آزوقه	آزوقه
اتو	اطو	اطاق	اطاق
أتراق	أُتراق	اطریش	اطریش
اختاپوس	اختاپوث	اصطبل	اصطبل
اسطربلاب	اصطربلاب	اسمعیل	اسمعیل
اصطهبانات	استهبانات	اعلی	اعلا
افستین	افسنطین	علم شنگه	آلم شنگه
امپراتور	امپراطور	امپراطریس	امپراتریس
اولاد	اولادها	ایطالیا	ایتالیا
باباغوری	باباقوری	باطری	باتری
باتلاق	باطلاق	باطوم	باطوم
باجناق	باجناق	بلقور	بلغور
بلیت	بلیط	بی‌مه‌با	بی‌مه‌با
پاتوق	پاتوغ	پترزبورگ	پترزبورگ
پتر کبیر	پتر کبیر	طاب	تاب
تاغ (درختچه)	تاق	طاق	تاق (در مقابل جفت)
تالار	طالار	طاول	تاول
تایباد	طایباد	طایر	تایر (چرخ ماشین)
تباشیر	طباشیر	طبرزد	تبرزد
طراز	تراز	طبرزین	تبرزین
تپانچه	طپانچه	طپق/تیغ	تُپُق

بنویسیم	نویسیم	بنویسیم	نویسیم
تپور	تپیدن	طپور	طپیدن
تُتماج	تراز (تراز آبی)	طتماج	طراز
ترخون	ترشیز	طرخون	طرشیز
ترق و تورو	ترقه	تاراع و توروغ	طرقه
تشت	تغار	طشت	طغار
تقوا	تلاطم	تقوی	طلاطم
تنبور	توفان (باد تند)	طنبور	طوفان
تهران	تیسفون	طهران	طیسفون
جابلسا	چارق	جابلسا	چارغ
چاوش	چلغوز	چاوش	چلقوز
حایل (مانع)	حلیم	هایل	هلیم
حوله	خاف	هوله	خواف
ختا (اسم مکان)	خطمی (گل)	خطا	ختمی
دوقلو	ذیقعه	دوغلو	ذی القعه
ذیحجه	زنون	ذی الحجّه	ذنن
زغال	سغد	ذغال	صغد
سوغات	شبورغان	سوقات	شبورقان
شورا	طارم	شوری	تارم
طاس	طاس کباب	تاس	تاس کباب
طاق	طاقدیس	تاق	تاقدیس
طاووس	طرابلس	طاوس	ترابلس
طراز (نگار جامه)	طوبیقا	تراز	توبیقا

بنویسیم	نویسیم	بنویسیم	نویسیم
طوسی	توسی	طوفان (فعل)	توفان
عیسو	عیصو	غانغرایا	قانقاریا
غدغن	قدغن/غدغن	غلتیدن	غلطیدن
فتوا	فتوی	قاتی	قاطی
قاروقور	غاروغور	قباد	غباد
قداره	غداره	قدقد	غدغد
قراقروت	قراقروط	قرتی	غرتی
قرشمال	غرشمال	قُرُق	عُرُق
قرلق	قرلغ	قروش	غروش
قره آغاج	قره آقاج	قورمه	قرمه/غرمه/غورمه
قزقان	قزغان	قشقرق	غشغرق
قشلاق	قشلاغ	قفس	قفص
قلپ	غلپ	قَلک	غلک
قلنبه	غلنبه	قلیان	غلیان
قوا	قوی	قورباغه	غورباغه
قورت	غورت	قوطی	قوتی
قیقاج	غیقاج	قیماق	قیماغ
کاووس	کاوس	کلیسا	کلیسیا
کیقباد	کیغباد	گنجشک	گنجشگ
لاتاری	لاطاری	لحیم	لهیم
لق	لغ	لُق لُق	لغ لغ
لق ولوق	لغ ولوغ	لوت (کویر)	لوط

بنویسیم	نویسیم	بنویسیم	نویسیم
لوط (قوم)	لوت	لوطی	لوتی
مسائل	مسایل	مستثنا	مستثنی
مصفاً	مصفی	ملاط	ملات
ملافه	مَلَحْفَه	ملاقه	مَلْعَقَه
منتها	منتهی	منشآت	منشآت
میلیارد	مليارد	میلیون	مليون
میهمان*	مهمان*	ناسور	ناصر
ناهار	نهار	نسطوری	نستوری
نق نق	نغ نغ	نفت	نفظ
نفتالین	نفتالین	ورقلمبیدن	ورغلمبیدن
وَعَوَغ	وقوق	وهله	وحله
هایل (وحشتناک)	حایل	هجده*	هیجده*
هوا	هوی	هیئت*	هیأت*
هیدروژن	ئیدروژن	هیضه	حیضه
هیز	حیز	یاتاقان	یاطاقان
یالقوز	یالغوز	یغور	یغور
یقه	یخه	یکان	یگان

توجه: علامت «*» نشانگر این است که املاي هر دو کلمه صحیح است، لکن پیشنهاد ما انتخاب یک نوع واحد آن در تمام نگارش‌ها است.

لغت‌ها و واژه‌های جایگزین مناسب

بنویسیم	بنویسیم	بنویسیم	بنویسیم
اتوموبیل	اتوموبیل	اغلب	اکثراً
با احترام	احتراماً	اغلب	غالباً
با وجودی که	علی‌رغم	بدین وسیله	بدینوسیله
تا	الی	تا	لغایت
تلگرافی	تلگرافاً	خواهش می‌کنم	خواهشاً
خودبه‌خود	خودبخود	در	درب
دستورها	دستورات		
دست کم	اقلاً، لا اقل	دوّم اینکه	دوّمأ
روبه‌رو	روبرو	زبانی	زباناً
زرتشت	زردشت	سرانجام	بالاخره
سرانجام	درنهایت	سرلشکر	سرلشگر
علیه	برعلیه	گاهی اوقات	گاهاً
لشکر	لشگر	مرتضی ابراهیمی	مرتضای ابراهیمی

فهرست الفبایی واژه‌های بیگانه همراه با معادلهای فارسی آنها

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه
Abat-jour (fr.)	نورتاب	آباژور
Abonnement (fr.)	حق اشتراک	آبونمان
Abonne (fr.)	مشترک	آبونه
Appartement (fr.)	کاشانه	آپارتمان
Up to date (en.)	روزآمد	آپ‌تودیت
Update	روزآمد	آپ‌دیت
Atelier (fr.)	کارگاه	آتلیه
Adjutant	آجودان	آجودان
Adjuant. general	کارگزینی	آجودانی
Address	نشانی	آدرس
Archives (fr.)	بایگانی	آرشیو
Arm (en.), armes	نشانه	آرم
Agency	بنگاه، نمایندگی	آژانس
Ascenseur (fr.)	آسان‌بر (حمل انسان) - بالابر (حمل بار)	آسانسور
Assistan (fr.)	دستیار	آسیستان
Open (en.)	آشپزخانه باز	آشپزخانه آپن
Off - Line	برون خط	آفلاین
Affiche (fr)	آگهی نامه	آفیش
Academie (fr.)	فرهنگستان	آکادمی
Academique (fr.)	دانشگاهی - علمی - عالمانه	آکادمیک
Actor	بازیگر	آکتور
Acne	رُخ جوش	آکنه
Aquarium (fr.)	آبزی‌دان	آکواریوم
Acoustics	صوت‌شناسی	آکوستیک
Album (fr.)	چُنْگ	آلبوم

ضبط فارسی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
Alert	آماده‌باش	آلرت
Allergy	آلرژی - حساسیت	آلرژی
Amateur (fr.)	غیر حرفه‌ای	آماتور
Ampoule	آمپول	آمپول
Amphitheatre	تالار پلکانی، تالار	آمفی تئاتر
Anatomy	تشریح	آناتومی
Anarchist	اقتدار گریز - اقتدار گریزانه	آنارشیست
Anarchism	اقتدار گریزی	آنارشیسم
Analysis	آنالیز، تحلیل	آنالیز
Antibiotic	آنتی‌بیوتیک، پادزیست	آنتی‌بیوتیک
Antique (fr.)	عتیقه	آنتیک
Anti_virus	برنامه ضد ویروس، ضد ویروس	آنتی‌ویروس
Enzyme	آنزیم، زی‌مایه	آنزیم
Informatique	داده‌ورزی	آنفورماتیک
On call (en.)	گوش به زنگ	آنکال
April, avrill	آوریل	آوریل
ICDL	گواهینامه بین‌المللی کار با رایانه	آی.سی.دی.ال
	آوایر	آیفون
Abstract (en.)	چکیده	آبسترک
Abort	نافرجامی	ابورت
Operateur (fr.)	کارور، عملگر	اُپراتور
Application (en.)	درخواست نامه	آپلی کیشن
Opposition (fr.)	گروه مخالف	اُپوزیسیون
Epidemy	همه‌گیری	اپیدمی
Epidemic	همه‌گیر	اپیدمیک

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
اُتپوت	برون‌داد	Output
اتم	اتم	Atom
اتوبان	بزرگراه	Autobahn (de.)
اتوبیوگرافی	سرگذشت خود، زندگی‌نامه خود نوشت	Autobiographie (fr.)
اتوماتیک	خودکار، خود به خود	Automatique (fr.)
اِتیکت	بهانما- نشان‌نما، شناس‌برگ	Etiquette (fr.)
اجاق مایکروویو	تندپز	Microwave oven (en.)
ادیت	ویرایش، تدوین	Edit (en.)
ادیتور	ویراستار- ویرایشگر، تدوینگر	Editor (en.)
اردونانس	جنگ‌افزاری*	Ordonance
ارنج	آرایش	Arrange
اُرگان	ترجمان	Organe (fr.)
اُرگانیزاسیون	سازمان	Organization(fr.)
اُرگانیزه	سازمند	Organize (fr.)
اس.ام.اس	پیام کوتاه، پیامک	SMS message
اسانس	عطرمایه	Essence (fr.)
اسپاگتی	رشتار	Spaghetti
اسپانسر	پشتیبان	Sponsor
اسپری	افشانه	Spray (en.)
اسپم	هرزنامه، فرستان هرزنامه	Spam
استاتیک	ایستایی شناسی، ایستایی	Statics
استامپ	جوهرگین	Estampe (en.)
استراتژی	راهبرد	Strategy
استراتژیست	راهبردار- راهبردشناس	Strategist
استراتژیک	راهبردی	Strategic

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Sterile	سترون	استریل
Stereophonic (en.)	چند آوا، چند آوایی	استریوفونیک
Stand-by	آماده به کار	استندبای
Stencil	کاغذ مومی	استنسل
Stub	ته رسید	استوب
Studio	استودیو	استودیو
Station	ایستگاه	استیشن
Scramble	تندخیزی (هواپیما)	اسکرامبل
Score board	نمره‌نما	اسکوربرد
Escorte (fr.)	همروان - یاور	اسکورِت
Ecorter (fr.)	همروی کردن	اسکورِتِر
Assemble	همگذاری کردن	اسمبل
Assembly	همگذاری	اسمبلی
Snack	لب چره	اسنک
Assistant	دستیار	اسیستان
Echantition (fr.)	نمونه	اشانتیون
Echelle (fr.)	پایه (در امور اداری)، مقیاس	اشِل
_____	دربازکن	اف اف
Effect	جلوه	افکت
October	اکتبر	اکتبر
Express	سریع‌السیر	اکسپرس
Action	کنش	اکشن
Echo	پژواک	اکو
Ecotourism	طبیعت‌گردی	اکوتوریسم
Ecology (en.)	بوم‌شناسی، بوم‌شناخت	اکولوژی

ضبط فارسی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
اکیپ	گروه مجهز	Equipe (en)
اکزوما	اکزوما، سودا	Eczema
الکتروود	الکتروود	Electrode
الکترومتر	برق سنج	Electrometer
الکترون	الکترون	Electron
الکترونیک	الکترونیک	Electronics
الکترومتر	برق سنج	Electrometer
الکلیسم	می بارگی	Alcoholism
الگوریتم	الگوریتم، خوارزمی	Algorithm
ام.ام.اس	پیام چند رسانه‌ای	MMS message
ام.پی.تری	آوا-۳	MP۳
امرجنسی	فوریت‌ها، فوریت‌های پزشکی	Emergency
انتگرال	انتگرال	Integral
آندیکاتور (دفتر)	نامه‌نما	Indicateur (fr.)
آندیکاتور نویس	نمانویس	_____
انرژی	انرژی، کارمایه	Energy
آنسیرینگ ماشین	پیام‌گیر	Answering machine (en.)
آنستیتو	مؤسسه	Institut (fr.)
انفورماتیک	داده‌ورزی	Informatique (fr.)
آن‌لاین	برخط	On – Line
انیماتور	پویانما	Animator (en.)
انیمیشن	پویانمایی	Animation (en.)
اورکت	گرم‌پوش	Overcoat
اورلپ	همپوشانی، همپوشی	Overlap
اورهال	بازآمداد	Overhaul
اولتیماتوم	اتمام حجت، زنهاره	Ultimatum (fr.)

ضبط فارسی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
اونیفورم ←	یونیفورم	_____
ایدئولوژی	ایدئولوژی - مرام	Ideology
ایده آل	آرمان	Ideal
ایده آلیست	آرمان گرا	Idealist
ایده آلیسم	آرمان گرایی	Idealism
ایدیوگرافی	اندیشه نگاری	Ideography
ایزولاسیون	بامپوش، عایق کاری، عایق بندی	Isolation (fr.)
ایکن	نقشک	Icon
ایمیل	پیام نگار	E-mail (en.), (fr.)
این پوت	درونداد، ورودی	Input
اینترانت	درون نت	Intranet
اینترپل	پلیس بین الملل	Interpol
اینترنت	اینترنت	Internet
ایندکس	نمایه	Index (en.), (fr.)
باتری	باتری	Battery
باتوم	پاس چوب، باتوم*	Baton
بادی بیلدر	اندام پرور	Body builder
بادی بیلدینگ	پرورش اندام	Body building
بادی گارد	جان پاس	Bodyguard (en.)
بار	نوشگاه	Bar
بارکد	رمزینه	Barcode (en.)
بارم	شمارک	Bareme (fr.)
باریر	بازدار	Barrier
بالانس	ترازو - موازنه	Balance
بالستیک	پرتابی*	Ballistic

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
بالکن	ایوانک، ایوانگاه	Balcon (fr.)
بالون	بالون	Balloon
باند	باند، نوار	Bande (fr.)
بانداز	باندپیچی، نوارپیچی	Bandage (fr.)
باندرویل	سرچسب	Banerole (fr.)
بانک	بانک	Bank
بَیَل	برپوش	Battle dress
بروشور	دفترک	Brochure (fr.)
بریفینگ	توجیه	Briefing
بکین پودر	ورآور شیمیایی، ورآور	Baking powder
بلشویسم	بلشویسم	Bolshevism
بلشویک	بلشویک	Bolshevik
بلندر	مخلوط کن	Blender (fr.)
بلوار	چارباغ	Boulevard (fr.)
بلوتوث	دندان آبی، بلوتوث	Bluetooth
بمب	بمب	Bomb
بُن	بها برگ	Bon (fr.)
بَنر	برنما	Banner
بوت	راه اندازی	Boot
بورس	بها بازار (بازار)، راتبه (تحصیلی)	Bourse (fr.)
بورسیه	راتبه گیر	Boursier (fr.)
بورژوا	بورژوا	Bourgeois
بورژوازی	بورژوازی	Bourgeoisie
بوفه	چینی جا - بوفه (محل فروش غذا)	Buffet (fr.)
بوکس	مشت زنی	Boxe (fr.)

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Boxer (fr.)	مشتزن	بوکسور
Bulletin (fr.)	خبرنامه	بولتن
Bulldozer	هموارساز	بولدزر
Base	پایگاه	بیس
Bilan (fr.)	ترازنامه، کارکردنامه	بیلان
Biographie (fr.)	سرگذشت، زندگی‌نامه، شرح‌حال	بیوگرافی
Biennal (fr.)	دو سالانه	بی‌ینال
Popcorn	ذرت پفکی	پاپ‌کورن
paradigm	انگاره	پارادایم
Paraphie (fr.)	پیش امضا	پاراف
Paragraph (fr.)	بند	پاراگراف
Paraglider	چتربال	پاراگلایدر
Parallel	موازی	پارالل
Paravent (fr.)	پردینه	پاراوان
Part	پاره، قطعه	پارت
Part number	شماره قطعه	پارت نامبر
Partition (en.)	دیوارک	پارتیشن
Park (en.)	مانک	پارک (بچه)
Parquet (fr.)	چوب فرش	پارکت
Park and ride (en.)	پیاده - سوار	پارک - سوار
Parcometre (fr.)	توقف سنج	پارکومتر
Parking (en.)	توقفگاه	پارکینگ
Parlement (fr.)	مجلس	پارلمان
Parliamentarism	مجلس محوری	پارلمانتاریسم
Puzzle	جورچین	پازل

ضبط فارسی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
پاساژ	بازارچه، گذر	Passage
پاستل	گچ رنگ	Pastel
پاستوریزه	پاستوریزه	Pasteurized
پاسیو	نورخان	Patio (fr.)
پالت	بارکف	Pallet
پانچ	سوراخ کردن	Punch
پانچو	باران گیر	Poncho
پاندول	آونگ	Pendulum
پانل	هیئت رئیسه	Panel
پاویون	کوشک، سرایه (مخصوص پزشکان)	Pavillin (fr.)
پتانسیل	توان - پتانسیل	Potential
پتروشیمی	پتروشیمی	Petrochemistry
پد	لت	Pad
پرانتز	کمان - پرانتز	Parenthesis
پرایس لیست	بها نامه	Price list (en.)
پرتابل	دستی - انتقال پذیر	Portable (fr.)
پرسنل	کارکنان، نیرو [های انسانی]	Personnel (fr.)
پرفُراتور	آژه	Perforateur (fr.)
پرفُراژ	آژدار	Perforage (fr.)
پروپاگاندا	تبلیغات سیاسی	Propaganda
پروتکل	تشریفات	Protocol
پروژکتور	نورافکن - فراتاب	Projecteur (fr.)
پروفرما	پیش برگ	Proforma (fr.)
پرولتاریا	پرولتاریا	Proletariat
پرینتر	چاپگر	Printer
پریود	دوره تناوب، دوره	Period

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه
Post	منطقه، نقش	پُست
Post - modern	پسانوگرا	پُست‌مدرن
Postman	پستچی	پُست‌من
Password	اسم رمز	پسورد
Package	بسته	پکیج
Plage	ساحل‌سرا، کومه	پلاژ
Placard	نقش آگهی	پلاکارد
Politics	سیاست	پلتیک
Politics	سیاسیات	پلتیکس
Political	سیاسی	پلتیکال
Plomb (fr.)	مُهر و موم	پُلُمب
Police	پلیس	پلیس
Polycopie (fr.)	دستگاه تکثیر (دستگاه)	پلی‌کپی
Polymer	بَسپار، پلیمر	پلیمر
Pompage (fr.)	پمپ‌زنی - تلمبه‌زنی	پمپاژ
Feta cheese	پنیر سفید	پنیر فتا
Point	امتیاز	پوئن
	عوام‌گرایی	پوپولیسیم
Port	درگاه	پورت
Pourcentage (fr.)	درصدانه، درصد	پورسانت (پورسانتاژ)
Poster	اعلان	پوستر
Polish	براق کردن	پولیش
Page (en.)	پی‌جویی کردن، پی‌جویی	پیج
Pager (en.)	پی‌جو	پیجر
Pyrex (fr.)	نسوز	پیرکس

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
پیش فاکتور	پیش برگ	—————
پین	شناسه	PIN
تئاتر	نمایش، نمایش سرا، تماشاخانه	Theatre (fr.)
تئوری	نظریه	Theorie (fr.)
تئوریسین	نظریه پرداز	Theoricien (fr.)
تئوریک	نظری	Theorique (fr.)
تاپیکال میتینگ	ویژه‌همایی	Topical meeting
تارگت	تیرنشان	Target
تافی	نرم‌نیات	Toffee
تاکتیک	تاکتیک*	Tactic
تاکسی	خزش	Taxi
تاکسی‌متر	کرایه‌سنج	Taximeter
تاکسی درمی	آکنده	Taxidermy (en.)
تاکسی درمیست	آکنده ساز - آکنده‌سازی	Taxidermist (en.)
تاکوگراف	سرعت نگار	Tachograph
تانک	مخزن، تانک (نظامی)	Tank
تانکر	باری مخزنی	Tanker
تایتل	عنوان، عنوان‌بندی	Titel
تایم‌اوت	درنگ	Time out
تراژدی	سوگنامه	Tragedy
تراژدین	سوگنامه‌نویس	Tragedian
تراژیک	سوگنامه‌ای - سوگناک	Tragic
تراژیک‌کمدی	خوش‌سوگنامه	Tragicomedy
تراس	بهارخواب، مهتابی، خرپا	Terrasse (fr.)
ترافیک	شدآمد، عبور و مرور	Traffic

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Tramway	قطار خیابانی	تراموا
Transit	گذر، گذری، عبور	ترانزیت
Transformer	مبدل، ترانسفورماتور	ترانسفورماتور
Thermoscope	دماهنگ‌نما	ترموسکوپ
Terthermocuple	بندآور	ترموکوپل
Thermograph	دمانگار	ترموگراف
Thermography	دمانگاری	ترموگرافی
Thermogram	دمانگاشت	ترموگرام
Terminal	پایانه	ترمینال
Transfer	انتقال مسافر	ترنسفر
Terror	وحشت	ترور
Terrorist	وحشت افکن	تروریست
Terrirism	وحشت افکنی	تروریسم
_____	نان برشتی	تُسْت
Test (en.)	آزمودن - آزمون - آزمونه	تِسْت
Toaster (en.)	برشته‌کن	تُسْتِر
Toaster oven	برشتار	تُسْتِر اَوِن
_____	آزمونه‌ای	تِسْتِی
Technocrate (fr.)	فن سالار	تکنوکرات
Technocratique	فن سالارانه	تکنوکراتیک
Tecnocratie (fr.)	فن سالاری	تکنوکراسی
Technology (fr.)	فناوری	تکنولوژی
Technoligist (fr.)	فناور	تکنولوژیست
Tecnologique	فناورانه	تکنولوژیک
Technicien (fr.)	فن ورز	تکنیسین

ضبط فارسی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
تکنیک	فن	Tecnique (fr.)
تکنیکال	فنی	Technical
تله پاتی	دورآگاهی	Telepathy
تله تکست	پیام نما	Tele _ text (en.)
تله کنفرانس	دور سخنی	Teleconference
تله کومونیکاسیون	مخابرات	Telecommunication
تُن	نواخت	Tone
توتالیتارین	تمامی خواه	Totalitarian
توتالیتاریانیست	تمامی خواه	Totalitarianist
توتالیتاریانیسم	تمامی خواهی	Totalitarianist
تور	گشت	Tour
تورنمت	مسابقات، چندجانبه	Tournament
توریست	گردشگر - جهانگرد	Tourist
توریسم	گردشگری - جهانگردی	Tourism
تول بار	نوار ابزار	Toolbar
تونل	دالانه - تونل	Tunnel
تیراژ	شمار	Triage (fr.)
تیزر	آگهی تلویزیونی، سرآغاز	Teaser (fr)
تیک آف	برخاست	Take Off
تیمسار	امیر	
جامر	اختلال گر	Jammer
جامینگ	اختلال	Jammer
جکوزی	آب زن	Jacuzzi
جولای	ژوئیه	July
جی.پی.اس	موقعیت یاب	GPS receiver
چارتر	دربست، دربست کرایه کردن	Charter

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه
Chartering	دربستی، کرایهٔ دربستی	چارترینگ
Chat	گپ، گپ‌زدن	چت
Chatting	گپ‌زنی	چتینگ
Chff	خاشه	چف
Checklist	بازبینی	چک لیست
Chip	تراشه	چیپ
Cheps	برگک	چیپس
Chiller (en.)	سردکن	چیلر
————	پژوهانه	حق‌التحقیق
————	آموزانه	حق‌التدریس
Damper	سرعت‌گیر	دمپر
Dumping	بازار شکنی	دامپینگ
Department (fr.)	بخش، گروه	دپارتمان
Depot	آمادگاه	دپو
Drawback	استرداد	دراویک
Drawer (en.)	کشویی	دراور
December	دسامبر	دسامبر
Dessert	پی‌غذا	دسر
	درس گروهی	درس سمیناری
————	دستگاه تکثیر	دستگاه پلی‌کپی
Doctrine	رهنامه - آموزه	دکترین
Décor (fr.)	آرایه	دکور
Decorative (fr.)	آرایشی، تزیینی	دکوراتیو
Decorateur (fr.)	آرایه، آرا (مانند صحنه آرا، خانه آرا)	دکوراتور
Decoration (fr.)	آرایه‌گری، آرایش، آرایه	دکوراسیون

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
دَمپینگ	بازار شکنی	Dumping (en.)
دوپینگ	زورافزایی	Doping (en.)
دوز	چنده، مقدار مصرف	Dose
دولوکس	ممتاز	Deluxe
دیابت	بیماری قند	Diabetes
دیپلمات	دیپلمات	Diplomat
دیپلماتیک	دیپلماتی	Diplomatic
دیپلماسی	دیپلماسی	Diplomacy
دیتا	داده، داده‌ها	Data
دیتیل	جزء، جزئیات	Detail
دیتابیس	دادگان	Database
دیجیتال	رقمی	Digital
دیسپچ	پرواز آمایی	Dispatch
دیسپلین	انضباط*	Discipline
دیکتاتور	مستبد	Dictator
دیکتاتوریل	استبدادی	Dictatorial
دیکشنری	فرهنگ، واژه‌نامه	Dictionary
دینامیک	پویایی شناسی، دینامیک	Dynamics
رادار	رادار	Radar
رادایواکتیو	پرتوزا	Radioactive
رادایواکتیویته	پرتوزایی	Radioactivity
رادیوگرافی	پرتونگاری	Radiography
رادیولوژی	پرتوشناسی، پرتوپزشکی	Radiology
رادیولوژیست	پرتوشناس	Radiologist
راکت	موشک آزاد - موشک	Rocket

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Rent	اجاره، افزونه، درآمد ثابت، کرایه	رانت
Runway	باند پرواز	رانوی
Retouche (fr.)	پرداخت	رتوش
Retoucher (fr.)	پرداخت کار	رتوشور
Reserve	ذخیره	رزرو
Reservation	ذخیره‌جا	رزرویشن
Resume (fr.)	چکیده، کارنامه	رزومه
Regime	نظام، پرهیزانه	رژیم
Rescue	نجات	رسکیو
Restaurant	غذاخوری	رستوران
Referendum	همه‌پرسی	رفراندوم
Reform	اصلاح، اصلاحات	رفرم
Reformist	اصلاح طلب	رفرمیست
Reformism	اصلاح طلبی	رفرمیسم
Reformer	اصلاح‌گر	رفرمر
Reflex	بازتاب	رفلکس
Reflection	بازتاب	رفلکشن
Role	نقش	رُل
Ramp	راه‌گرد	رمپ
Range	بُرد	رنج
Ranger	تکاور	رنجر
Ranking	رتبه‌بندی	رنکینگ
Roaming	فراگردی	رومینگ
Reboot	بازراه‌اندازی کردن	ریبوت
Rate	نرخ، آهنگ	ریت

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
ریتم	ضرباهنگ	Rhythm
ریتمیکال	ضرباهنگ‌دار	Rhythmical
ریست	بازنشاندن، بازنشانی	Reset
ریسپشن	پذیرش	Reception
ری‌لود	بار کردن مجدد	Reload
ریموت کنترل	دورفرمان	Remote control
رینج	بُرد	Range
ریوایندر (دکمه‌ای)	برگردان، دکمه برگردان	Rewinder (en.)
زونکن	پروندان	Zonnecken (de.)
ژئوپلتیک	جغراسیاست	Geopolitics
ژئوپلتیکال	جغراسیاسی	Geopolitical
ژانویه	ژانویه	January
ژتون	بِهامُهر	Jeton (fr.)
ژله	لرزانک	Jelly
ژنرال	امیر	General
ژنراتور	مولدبرق، مولد، ژنراتور	Generator
ژوئن	ژوئن	June
سئانس (سانس)	نوبت	Séance (fr.)
سادیسیم	دگرآزاری	Sadism
سافت‌ور	نرم‌افزار	Software
سانتریفیوژ	گریزانه - گریزدان	Centrifuge
سانس	نوبت	Séance (fr)
سانسور	سانسور، بررسی	Censure (fr.)
سایبر	رایا	Cyber
سایت	پایگاه - ایستگاه	Site

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Side by side refri	همبر (یخچال - یخزن)	سایدبایساید
September	سپتامبر	سپتامبر
Search	جست و جو	سرچ
Searcher	جست و جوگر	سرچر
Service	پذیرایی، خدمات	سرویس
Serie (fr.)	رشته، سلسله، مجموعه	سری
serial (en.)	زنجیره	سریال
Session	نشست، اجلاس	سشن
Sequence	فصل	سکانس
Section	برش - دسته، گروه	سکشن
secularism	دنیاپرستی، نادینمداری	سکولاریسم
Self - service	رستوران خویش یار	سلف سرویس
Symbole (fr.)	نماد، رمز	سمبول
Symbolisme (fr.)	نمادگان - رمزگرایی - نمادگرایی	سمبولیسم
Symbolique (fr.)	نمادین، رمزی	سمبولیک
Symposium	هم نشست، محفل علمی	سمپوزیوم
Samphony	سمفونی	سمفونی
Simulator	شبیه ساز*	سمیلاتور
Seminar	هم اندیشی - درس گروهی	سمینار
Scene	صحنه، صحنه ای	سن
Scenario	رژم نامه، فیلمنامه	سناریو
Synducat (fr.)	اتحادیه	سندیکا
Sensor (en.)	حس گر	سنسور
Switch	سو دادن، کلید، سوده	سوئیچ
Subside (fr.)	یارانه	سوبسید

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
سوپراستار	ابرستاره	Superstar
سوپر کاپ	جام برتر	Super cup
سوپر کامپیوتر	ابررایانه	Supercomputer
سوژه	موضوع	Subject (fr.)
سوسیالیست	سوسیالیست - سوسیالیستی	Socialist
سوسیالیسم	سوسیالیسم	Socialism
سونا	گرمخانه	Sauna
سونوگرافی	صوت نگاری	Sonography
سویا	لوبیا روغنی، سویا	Soya
سوییت	سراچه	Suite (fr.)
سیستم	سامانه، نظام	System
سیستماتیک	نظام‌مند	Systematic
سیستمی	نظام‌مند	Systematic
سیشن	اجلاس، نشست	Session
سیفون	آب شویه	Siphon (fr.)
سیکر	جست‌وجوگر	Seeker
سیگنال	نشانک، سیگنال	Signal
سیلندر	اُستوانک	Cylinder (fr.)
سیم کارت	شناس کارت	SIM card
سیلورپلیت	سیم‌اندود	Silver – plated
سینک	ظرف شویی	Sink (en.)
سی وی	کارنامک	Curriculum vitae [CV.]
سیویل	غیر نظامی	Civil
شات دان	توقف، متوقف کردن	Shut down
شارژ	هزینه سرانه خدمات، بار، پر کردن	Charge (fr.)
شمینه	همه سوز	Cheminee (fr.)

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Shift (en.)	نوبت	شیفت
_____	نوبتی، نوبت کار	شیفتی
Shelter	پناهگاه	شیلتر
Phase (fr.)	گام	فاز
Fascist	فاشیست، فاشیستی	فاشیست
Fascism	فاشیسم	فاشیسم
Facture (fr.)	برگ خرید، صورت حساب، عامل	فاکتور
Fax/ facsimile	دورنگار	فاکس
Fax/faxsimile	دورنگاری	فاکس (کردن)
Falange	فالانژ	فالانژ
Falangist	فالانژی	فالانژیست
Falangism	فالانژیسم	فالانژیسم
Fantaisie (fr.)	تفنی	فانتزی
File (en.)	پرونده	فایل / فایل کابینت
Final	نهایی، پایانی، مرحله پایانی	فاینال
Finance	تأمین مالی	فاینانس
Photographic	عکسی	فتوگرافیک
Four (fr.)	تاون	فر
Franchise (fr.)	خودپرداخت	فرانشیز
Freemason	فراماسون	فراماسون
Freemasonry	فراماسونگری، انجمن فراماسونی	فراماسونری
First class	درجه یک	فرست کلاس
Forme (en.)	برگه، صورت	فُرم
Format	قالب	فرمت
Formula	فرمول، دستور	فرمول

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Formation	آرایش	فرمیشن
French tunic	سان پوش	فرنج
Forum	نظرآزمایی	فروم
Freezer (en.)	یخ زن	فریزر
_____	یخ زده	فریزری
(to) freeze (en.)	منجمد کردن	فریز (کردن)
Frame	قابک، قاب تصویر، قاب	فریم
Festival	جشنواره	فستیوال
_____	فاکس	فکس ←
Flasque (fr.)	دمابان	فلاسک
_____	آب شویه	فلاش تانک
Flash/ flashlight (en.)	دِرَخش	فلاش / فلش
Flasher	چشمک زن	فلاشر
Flower box (en.)	گلشنه	فلاورباکس
Fleche (fr.)	پیکانه	فلش
Flashback	گذشته نما	فلش بک
Footer	پسایند	فوتر
Food processor (en.)	چندکاره	فودپروسسور
February	فوریه	فوریه
Folklore (fr.)	فرهنگ مردم	فولکلور
Folklorque (fr.)	مردمی	فولکلوریک
Phonetic	آواشناسی، آوایی، آواشناختی	فونتیک
Aluminium foil (en.)	پوش برگ	فویل آلومینیومی
Fiber	الیاف	فیبر
Fiche (fr.)	برگه	فیش

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Ficher (fr.)	برگه‌دان	فیشته
Fix	نقطه کردن	فیکس
Figure	تصویر	فیگور
Filtre (fr.)	پالایه - صافی	فیلتر
Final	مرحله نهایی - مرحله پایانی	فینال
Cable (fr.)	بافه	کابل
Cabine (fr.)	اتاقک	کابین
Cup	جام	کاپ
Captain	سربار	کاپیتان
Cut	قطع	کات
Catalogue (fr.)	فهرست، کالانما، کارنما	کاتالوگ
Cutter	برش‌افزار	کاتر
Cadre (fr.)	پیرابند (چهارچوب)، پایوران (مجموعه کارمندان)	کادر
Caravan	کاروانک	کاراوان
Cartable (fr.)	کارپوشه	کارتابل
Cartographer	نقشه‌نگار	کارتوگراف
Cartography	نقشه‌نگاری	کارتوگرافی
Cargo	بار	کارگو
Car wash	خودروشویی	کارواش
	موهبت الهی	کاریزما
Cassette (fr.)	نوار، پوش‌نوار	کاست
Cafeteria	چایخانه	کافه تریا
Coffee shop	قهوه‌سرا	کافی شاپ
Coffee net	نت‌سرا	کافی‌نت
Caliber	قطرینه	کالیبر
Computer (en.)	رایانه	کامپیوتر

چگونه بنویسیم؟ / ۶۷

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
کانالیز	کرانمند کردن	Canalize
کانالیزه	مسیردهی	Channelization
کانتینر	بارگنج	Container
کاندید	نامزد	Candidate
کانفلیک	کشمکش	Conflict
کانکتور	اتصال دهنده	Connector
کانکشن	اتصال	Connection
کاور	پوشن	Cover (en.)
کایت	سبک‌پر	Kite
کپسول	استوانک (گاز)	Capsule (fr.)
کپی	رونوشت، روگرفت	Copie (fr.)
کپی رایت	حق نشر	Copyright (en.fr.)
کترینگ	پذیرایی	Catering
کد	رمز، شناسه	Code (fr.)
کراکر	تُرْدک	Craker
کُرس	مرحله	Course
کرکتر	شخصیت	Chracter
کرنومتر	زمان‌سنج	Chronometer
کرو	خدمه (پرواز)	Crew
کریدور	دالان	Corridor
کریستال	بلور- بلوره	Crystal
کریستالیته	بلورک	Crystallite
کلاس	درجه - طبقه - رده	Classe(fr.)
کلاسه	رده، طبقه، رده‌بندی شده	Classe (fr.)
کلاسه‌بندی	رده‌بندی، طبقه‌بندی	Classification
کلنی	مستعمره	Colony

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Click	تلیک، تلیک کردن	کلیک
Clinic	درمانگاه	کلینیک
Commando	تکاور	کماندو
Camp	اردوگاه، اردو	کمپ
Company	شرکت، شرکا	کمپانی
Compote	خوشاب	کمپوت
Comedy	شوخینامه، کمدی	کمدی
Comedian	بازیگر کمدی - شوخ‌بازیگر	کمدین
Communist	کمونیست، کمونیستی	کمونیست
Communism	کمونیسم	کمونیسم
Comite	کار گروه	کمیته
Commission	گروه، هیئت، کمیسیون	کمیسیون
Comic	کمدی، شوخینامه‌ای، شوخ‌خاک	کمیک
Control	پایش، نظارت، نگهداشتن	کنترل
Controller	جعبه فرمان - پاینده	کنترلر
	شمارگر	کنتور
	شمارخوان	کنتورخوان
Concentre (fr.)	افشرده	کنسانتره
Concert	کنسرت	کنسرت
Consul	کنسول	کنسول
Console	پیشانه	کنسول
Consulate	کنسولگری	کنسولیت
Conference (fr.)	فراهمایی، اجلاس، سخنرانی	کنفرانس
	مصاحبه مطبوعاتی	کنفرانس مطبوعاتی
Congres	همایش	کنگره

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
کنوانسیون	پادمان	
کوپن	کالابریگ	Coupon(fr)
کوپه	کوپه	Coupe
کی‌برد	صفحه کلید	Keyboard
گارانتی	تضمین، ضمانت	Garantie
گارد	پاسگان	Garde(fr)
گاردریل	نرده حفاظ	Guardrail
گالری	پناهراه	Gallery
گالوانیزه	روی‌اندود	Galvanized
گانگ‌وی	پل تردد	Gangway
گتر (گت)	ساق‌پوش	Gaiter
گرامر	دستور زبان، دستور	Grammar
گریدر	شیب‌ساز	Grader
گلايدر	بادپَر	Glider
گل	دروازه، گل	Goal
لابی	سرسرا	Lobby
لانچر	پرتابگر	Launcher
لجستیک	آمد و پشتیبانی	Logistics
لاین	خط - خط عبور	Line - Lane
لژ	چاپگاه	Loge(fr.)
لکچر	سخنرانی	Lecture
لنز	عدسی، عدسک	Lens
لن‌یارد	شان آویز	Lanyard
لوپ	چرخه	Loop
لود	بار، بار کردن	Load

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Loader	خاک‌بردار، بارکن	لودر
Loadmaster	بارناظر	لودمستر
Loge	چایگاه	لوژ
Luster	نورافشان	لویستر
Luxe (fr.)	تجملی	لوکس
Location	مکان	لوکیشن
_____	پرداویز	لووردراپه
Label	برچسب، برچسب‌زدن، شناس‌برگ	لیبل
List	فهرست، سیاهه، صورت	لیست
Lift truck	افرازه	لیفتراک
League	تیمگان	لیگ
Link	رابط، پیوند	لینک
March	رژه رفتن، گام آهنگ*	مارش
	کره نباتی	مارگارین
Macaroni	نی‌رشته	ماکارونی
Maquette (fr.)	نمونک	ماکت
Microwave oven	تندپذ	ماکروویو
Maximum	بیشینه، ماکسیمم	ماکسیمم
Maneuver	رزمایش	مانور
Monitor	پایشگر - نمایشگر	مانیتور
Monitoring	پایش - پایشگری	مانیتورینگ
Manifeste(fr.)	بیانیه، صورت‌بار	مانیفست
Motel	راه‌سرا	متل
Modernist	نوگرا	مدرنیست
Modernism	نوگرایی	مدرنیسم

چگونه بنویسیم؟ / ۷۱

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
مدل	پودمان	Module
مدلار	پودمانی	Modular
مسنجر	پیام‌رسان	Messenger
مکانیزه	ماشینی	Mechanized
مکانیسم	سازوکار	Mechanism
مکانیک	مکانیک	Mechanics
مموری	حافظه	Memory
موبایل (تلفن موبایل)	تلفن همراه	Mobile phone
موتاسیون	جهش	Mutation
موزه	موزه، گنجینه	Museum
موزیسین	موسیقیدان	Musician
موزیک	موسیقی	Music
موزیکال	موسیقیایی	Musical
موکت	فرشینه	Moquette(fr.)
می	مه	May
میتینگ	تجمع	Meeting
میکروسکوپ	ریزبین، میکروسکوپ	Microscop
میکروفون	صدابُر	Microphone
میکروفیش	ریزبرگه	Microfish(fr.)
میکروفیلم	ریزفیلم	Microfilm
میکسر	هم‌زن	Mixer
مین	مین	Mine
مینتننس	نگهداری	Maintenance
مینیا تور	خُرْدنگاره، نگارگری	Miniature
مینیا توریست	نگارگر	Miniaturist
مینیمم	کمینه	Minimum

ضبط فارسی واژه بیگانه.	معادل فارسی	ضبط فرنگی واژه بیگانه
نئونازیسم	نونازیسم	Neo – Nazism
نازی	نازی	Nazi
نازیسم	نازیسم	Nazism
نان نُست	نان برشتی	_____
نریتو	روایت - روایتی	Narrative
نریتور	راوی	Narrator
نریشن	روایت - روایتگری	Narration
نرس	پرستار	Nurse
نمانکاتور	نامگان	Nomenclature
نورولوژی	عصب پزشکی	Neurology
نورولوژیست	عصب پزشک	Neurologist
وارمر	چراغک	Warmer
واکمن	پخش همراه	Walkman
وبسایت	وبگاه	Web site
وبلاگ	وبنوشت	Weblog
وبلاگر	وبنویس	Weblogger
وُرک شاپ	کارگاه آموزشی	
ورمیشل	رشته‌فرنگی	Vermicelli
ولتاژ	اختلاف پتانسیل الکتریکی	Voltage
ولت‌متر	ولت‌سنج	Voltmeter
ویبراتور	لرزانه، ارتعاشگر	Vibrator
ویدئو کلیپ	نماهنگ	Videoclip
ویدئو کنفرانس	دورسخنی	Videoconference
ویروس	ویروس	Virus
ویزیتور	بازدید کننده	Visitor

چگونه بنویسیم؟ / ۷۳

ضبط فرنگی واژه بیگانه	معادل فارسی	ضبط فارسی واژه بیگانه.
Wheelchair	چرخک	ویلچر
Harmonie (fr.)	هماهنگی	هارمونی
Harmonique (fr.)	هماهنگ	هارمونیک
Harness	حمایل	هارنس
Hall	سرسرا	هال
Hotel	مهمانخانه، هتل	هتل
Header	سرایند	هدر
Headphones	دو گوشی	هدفون
Heliborne	بال بُرد*	هلی‌نرن
Helipad	بالگردنشین*	هلی‌پد
Heliport	بالگردگاه*	هلی‌پورت
Helicoptere (fr.)	بالگرد	هلی‌کوپتر
Handbook, Manual	دستینه	هندبوک
Hood	هواپر	هود
Howitzer	توپ‌سان، توپ‌وار	هویتزر
	خواب‌گری	هیپنوتیسم
Heater	بخاری برقی، اجاقک	هیتر
User	کاربر	یوزر
Uniforme(fr.)	هم‌سانه	یونیفرم

کتابنامه

- ۱- راهنمای نگارش و ویرایش / محمدجعفر یاحقی و محمدمهدی ناصحی، چاپ دهم، ۱۳۷۱، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۲- فرهنگ واژه‌های مصوب فرهنگستان، دفتر اول، دوم، سوم، چهارم و پنجم / فرهنگستان زبان و ادب فارسی / ۱۳۸۳.
- ۳- انواع ویرایش / ابوالفضل طریقه‌دار؛ ویرایش دوم؛ بوستان کتاب قم، ۱۳۸۳.
- ۴- آیین نگارش علمی / عباس حری؛ دبیرخانه هیأت امنای کتابخانه‌های عمومی کشور؛ ۱۳۸۱.
- ۵- ادب و نگارش / تهران: احمدی گیوی، احمد؛ نشر قطره، ۱۳۷۸.
- ۶- نگارش و ویرایش / تهران: سمیعی (گیلانی)، احمد؛ انتشارات سمت، ۱۳۷۸.
- ۷- غلط نویسیم؛ فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی / تهران: نجفی، ابوالحسن؛ چاپ یازدهم، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۸۲.
- ۸- دستور خط فارسی / فرهنگستان زبان و ادب فارسی، ۱۳۸۱.